



اتحاد عربستان سعودی و اسرائیل با آمریکا و پیامدهای آن بر موازنه قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه



دکتر مجید عباسی (اشلقی)* - حمیدرضا حمیدفر -

This is an open access article under the CC BY NC SA license: (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0/>) **چکیده**

هدف اصلی این پژوهش بررسی گسترش و نزدیکی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی و اتحاد راهبردی آن‌ها با آمریکا و تلاش در راستای ایران هراسی تقویت جبهه ضد ایرانی در غرب آسیا است. پرسش اصلی عبارت از این است که آیا همکاری عربستان و رژیم صهیونیستی و اتحاد هر دو آنها با آمریکا بر بی‌ثباتی و بی‌نظم‌سازی منطقه خاورمیانه تأثیر گذار بوده است؟ فرضیه برای پاسخ به این پرسش اساسی عبارت از این است که با توجه به نفوذ سیاسی، اقتصادی، مذهبی، قدرت انرژی و اهمیت ژئوپلیتیک عربستان در غرب آسیا و در میان اعراب و توان نظامی، امنیتی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و اتحاد هر دو رژیم با آمریکا ثبات و نظم منطقه‌ای را به سود جبهه ضد ایرانی تغییر خواهد داد. این پژوهش با استفاده از نظریه موازنه قدرت نشان می‌دهد که همکاری عربستان و رژیم صهیونیستی به ویژه پس از توافق‌نامه برجام پررنگ‌تر شده است و آنها با توجه به همکاری استراتژیک با آمریکا به ویژه پس از روی کار آمدن ترامپ برای تغییر موازنه قدرت در خاورمیانه به زیان ایران اقدام کرده‌اند. در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی و برای گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده و به منظور تدقیق و نظام‌مند کردن مشاهده علمی و یافته‌های پژوهش از رویکرد نظری موازنه قدرت بهره‌گیری شده است.

کلیدواژگان

آمریکا، ایران‌ستیزی، رژیم اسرائیل، عربستان سعودی، موازنه قدرت.

* نویسنده مسئول، دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی / ایمیل: abbasi@atu.ac.ir

- دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی.

مقدمه

منطقه خاورمیانه جنگ‌ها و بحران‌های زیادی را متحمل شده و این درگیری‌های بین‌دولتی و درون‌دولتی آرام آرام نظم منطقه را بی‌ثبات ساخته و بر روابط درون منطقه‌ای تأثیر منفی داشته است. به تعبیر کدمانی، در خاورمیانه، «فرهنگ سخت امنیت رواج دارد که حول مفاهیم مهار، بازدارندگی مقابله با تروریسم و خشونت سیاسی ساخته و پرداخته شده است و این امر باعث شده که کشورهای منطقه بر توازن نظامی (مسابقه تسلیحاتی منطقه‌ای، توانایی‌های هسته‌ای و محافظت از امنیت فیزیکی قلمرو خود) تمرکز کنند.» این درگیری‌ها از یک سو، باعث شده است درک واقع‌بینانه‌ای از عملکرد دولت‌ها ایجاد شود و به تبع آن، پوسته‌نخبگان و دولت‌های خاورمیانه را سخت کرده است و از سوی دیگر به شکل‌گیری درک نخبگان از منطقه به عنوان یک سیستم فرعی آنارشیک کمک کرده است» (Ehteshami, 2014: 30-31). به طور کلی، «نظم امنیتی غرب آسیا از زمان حمله آمریکا به افغانستان و عراق (۲۰۰۳) و در نتیجه تحولات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و ژئواستراتژیکی قدرت‌های فرامنطقه‌ای متعاقب آن، دست‌خوش تحول و وارد مرحله گذار شده است» (Noor Alivand, 2017: 8).

نگاهی عمیق به منطقه خاورمیانه نشان می‌دهد که این منطقه در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود از توانایی لازم برای برخورداری از یک نظم نهادینه شده برخوردار نبوده است. در هر دوره‌ای از تاریخ نظام جهانی، نقشه سیاسی و استراتژیک خاورمیانه تحت تأثیر دخالت قدرت‌های بزرگ دچار تحولات بنیادین شده است. برای بیش از دو قرن گذشته این منطقه نسبت به سایر مناطق موجود در نظام بین‌الملل^۴ در معرض سیاست قدرت‌های بزرگ بوده است. این تجربه سیاسی، بنیان بسیاری از رفتارها و کنش‌های موجود در این منطقه شده است و از شکل‌گیری یک نظم منطقه‌ای با ثبات جلوگیری کرده است» (Dehshiri and Maghami, 2016: 158).

در سطح منطقه‌ای رقابت و همکاری قدرت‌های برتر منطقه (ترکیه، ایران، عربستان، رژیم اسرائیل) برای تغییر قواعد بازی در راستای تأمین منافع خود و گاهی از طریق اتحاد با قدرتهای فرامنطقه‌ای، همواره منجر به تغییر و بی‌ثباتی در نظم منطقه‌ای شده است. بر این اساس پژوهش حاضر در صدد بررسی نزدیکی روابط رژیم اسرائیل و عربستان و همکاری آنها با آمریکا برای تقویت پروژه ایران‌هراسی در منطقه بر اساس نظریه موازنه قوا است. در این پژوهش روش تحقیق توصیفی-تبیینی بوده و ابزار گردآوری داده‌ها با روش کیفی و اتکاء بر منابع اسنادی است.

¹. Anarchic

². Geopolitical

³. Geostrategic

⁴. International System

۱- پیشینه پژوهش

سدیکا در مقاله‌ای با عنوان «روابط عربستان سعودی و اسرائیل و پیامدهای آن برای ایران» که در مرکز مطالعات ایران در آنکارا در سال ۲۰۱۹ منتشر شده بر نزدیک شدن روابط اسرائیل با کشورهای حاشیه خلیج فارس به ویژه عربستان می‌پردازد. اما مانع اصلی در دستیابی به روابط آشکار میان عربستان و اسرائیل را مسئله فلسطین می‌داند. در این مقاله نویسنده نتیجه می‌گیرد که تهدید امنیتی مشترک یعنی ایران عامل اصلی نزدیکی روابط میان آنها است (Siddiqa, 2019). در مقاله دیگری با عنوان «تأثیر پروژه ایران هراسی در راهبرد منطقه‌ای جدید اسرائیل» نوشته ضرام خسروی و همکاران که در سال ۲۰۲۰ در فصلنامه مطالعات بین‌المللی منتشر شده، با استفاده از نظریه مکتب کپنهاگ نشان می‌دهند که اسرائیل به دنبال امنیتی کردن ایران است و با بررسی سند امنیت ملی اسرائیل مشخص می‌شود که این رژیم از طریق پروژه ایران هراسی سعی دارد اتحاد عبری- عربی- غربی را علیه ایران راه بیندازد و به هدف خود یعنی تضعیف ایران دست‌یابد (Zargham Khosravi and et.al., 2020). در مقاله دیگری با عنوان «اسرائیل و عربستان سعودی: عصر جدیدی از همکاری دو جانبه»، نوشته آدمی و همکاران که در سال ۲۰۱۸ در مجله مطالعات راهبرد سیاسی منتشر شده است. از نظریه موازنه ناقص رندل شوئر بهره گرفته و شرح داده‌اند که اگرچه اسرائیل و عربستان بر اساس تهدید مشترک یعنی فعالیت‌های هسته‌ای ایران و نفوذ تشیع در غرب آسیا روابط دوستانه‌ای را در پیش گرفته‌اند؛ اما نتوانسته‌اند اتحادی محکمی علیه دشمن مشترک خود ایجاد نمایند (Adami and et.al., 2018). در مقاله دیگری با عنوان «تحلیل روابط عربستان سعودی و اسرائیل در سایه توافق هسته‌ای ایران» که توسط رستمی و تارا نوشته شده و سال ۲۰۱۸ در فصلنامه سیاست جهانی منتشر شده است. با بهره‌گیری از نظریه واقع‌گرایانه معمای امنیت^۳ به این اشاره می‌کند که در فضای پس‌اجرام عربستان و اسرائیل توانسته‌اند اتحادی غیررسمی علیه ایران شکل دهند و همکاری‌های خود را علنی کنند (Rostami and Tara, 2018). آنچه نوآوری پژوهش حاضر محسوب می‌شود عبارت از این است که در درجه نخست تلاش دارد تا با یک چارچوب نظری مشخص یعنی با بهره‌گیری از نظریه موازنه قدرت به تحلیل و تبیین موضوع پژوهش بپردازد و دوم اینکه اگرچه در مورد روابط آمریکا و اسرائیل کتب و مقالات متعددی وجود دارد ولیکن در منابع بررسی شده و بر اساس جستجوی نگارندگان مقالات اندکی به توسعه روابط آمریکا و عربستان با رژیم اسرائیل و پیامدهای آن بر نظم منطقه خاورمیانه و بویژه بر جایگاه جمهوری اسلامی ایران پرداخته و بر این مساله تمرکز کرده‌اند. عموم مقالات یا

^۱. Incomplete Balance

^۲. Randall Schuler

^۳. Security Riddle

کتاب منتشر شده به طور خاص روابط هر کدام از کشورهای امریکا یا عربستان را با رژیم اسرائیل بررسی کرده اند و ابعاد مورد نظر در این پژوهش کمتر مورد توجه بوده است.

۲- مبانی نظری

واقع‌گرایی بعداز جنگ جهانی دوم توسط مورگنتا^۱ به عنوان یک پارادایم^۲ عرضه شد و متغیرهای واقع‌گرایی عبارتند از: دولت‌محوری، حاکمیت‌محوری، قدرت‌محوری، اصل‌آنارشی و در نهایت موازنه قوا (Ghasemi, 2015 A: 48-50). مفروضات نظریه موازنه قوا نیز عبارتند از:

- ۱- جهان بر اساس بازی حاصل جمع جبری صفر بنیان نهاده شده است؛
- ۲- میزان منابع در نظام بین‌الملل ثابت، قابل تقسیم و قابل انتقال می‌باشد؛
- ۳- ائتلاف‌های مختلفی برای توزیع منابع صورت می‌گیرد؛
- ۴- در صورتی که تمامی منابع یک کشور در نتیجه بازتوزیع پیشنهادی از بین برود، آن کشور نابود می‌شود؛

۵- اطلاعات کامل در مورد قواعد بازی و اولویت‌ها و ترجیحات تمامی کشورها وجود دارد (Ghasemi, 2015 B: 476-477).

واقع‌گرایی با قبول و تأکید بر سرشت آنارشی نظام بین‌الملل معتقد است که «به هیچ وجه نمی‌توان جنگ را در روابط بین‌الملل منسوخ کرد و فقط می‌توان آن را از طریق ایجاد سیستم توازن قدرت کاهش داد. مورگنتا یکی از مهم‌ترین نظریه پردازان مکتب واقع‌گرایی، موازنه قدرت را به معنای وضعیتی می‌داند که در آن قدرت به شکل کمابیش متوازن و برابر میان چندین دولت تقسیم شده است. به نظر مورگنتا در نظام موازنه قدرت هیچ یک از دولت‌ها توانایی سلطه بر دیگران را نخواهد داشت» (Rasooli Thaniyabadi, 2014: 96). از دیدگاه والتز^۳ نظریه موازنه قدرت با این فرض شروع می‌شود که دولت‌ها حداقل خواهان حفظ خود و حداکثر خواهان استیلای جهانی باشند. ابزارهای دستیابی به این اهداف عبارتند از: «تلاش‌های داخلی (افزایش توان اقتصادی، افزایش توان نظامی، اتخاذ استراتژی هوش‌مندانه) و تلاش‌های معطوف به خارج (گسترش و تقویت اتحادهای خودی، تضعیف اتحادهای مقابل). برخی از واقع‌گرایان معتقدند که در یک نظام خودیاری، موازنه قدرت حتی در نبود یک سیاست آگاهانه و برنامه‌ریزی شده ظاهر خواهد شد» (Ghavam, 2011: 81).

¹ Morgenthau

² Paradigm

³ Waltz

⁴ Self-help

بر اساس نظریه واقع‌گرایی، «در شرایط آنارشی هر دولتی می‌تواند برای کسب منافع خود به زور متوسل شود. اما نظریه موازنه قوا می‌گوید که دولت‌ها شاید در مقابل این پیشامد که دولتی بخواهد به انباشت قدرت پردازد تا دیگر کشورها را وادار به اجرای خواسته‌های خود کند و حتی چه بسا آن‌ها را حذف کند، موضع‌گیری می‌کنند. ممکن است پیش از این که یک دولت یا ائتلاف به قدرت ملموسی رسیده باشد، موازنه صورت گیرد» (Smith and et.al., 2013: ۷۵-۷۶).

در چارچوب نظریه موازنه قدرت، دولت‌های بزرگ با پرهیز از درگیری با یکدیگر تلاش می‌کنند تا مناطق نفوذ خود را گسترش دهند. آنها از درگیری مستقیم با یکدیگر پرهیز می‌کنند زیرا درگیری نظامی بسیار سخت و پرهزینه است. لذا تلاش می‌کنند تا با جذب متحدان جدید و توسعه مناطق نفوذ از سنگینی کفه ترازوی قدرت به سود دیگری جلوگیری کنند. در منطقه خاورمیانه و در رقابت‌هایی که میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان یا حتی رژیم اسرائیل وجود دارد نیز ما شاهد این امر هستیم. لذا نظریه موازنه قدرت می‌تواند چارچوب مناسبی برای تجزیه و تحلیل این امر باشد.

۳- عربستان، اسرائیل و آمریکا و همکاری آنان بر علیه جمهوری اسلامی ایران

به طور خاص، پس از جنگ ۳۳ روزه و از سال ۲۰۰۶، سیاست خارجی اسرائیل در قبال خاورمیانه از دو اصل پیروی کرده است: اصل اول سیاست عادی‌سازی روابط با کشورهایی مانند عربستان و متحدین عرب آن و نیز ترکیه و اصل دوم سیاست تقابل با جمهوری اسلامی ایران و متحدین منطقه‌ای آن به عنوان مهم‌ترین چالش امنیتی این رژیم. «اسرائیل و لابی یهود در آمریکا، حساسیت زیادی نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای ایران دارند و دول غربی را در جهت متوقف‌سازی فعالیت‌های ایران به شدت تحت فشار قرار داده‌اند. در واقع یکی از انگیزه‌های اصلی آمریکا برای کنترل بیشتر بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران، نگرانی از امنیت اسرائیل است. در حال حاضر، ایران به لحاظ فناوری و سامانه‌های موشکی، به وضعیتی رسیده که به راحتی می‌تواند این رژیم را هدف قرار دهد. به علاوه آمریکا و رژیم اسرائیل از این نگرانند که با توسعه قدرت نظامی ایران و در نهایت رسیدن به سلاح هسته‌ای، گروه‌های مقاومت نیز در آینده به سلاح هسته‌ای مجهز شوند» (Ghanbarloo, 2018: 157).

آمریکا و عربستان نیز روابط دیرینه اقتصادی و تسلیحاتی دارند. «آمریکا یکی از مشتریان اصلی نفت عربستان است و آل سعود نیز یکی از مشتریان بزرگ تسلیحات آمریکا است. عربستان ۲۵ درصد ذخایر نفت اثبات شده جهان را در اختیار دارد، تولید نفت و انباشت ثروت فراوان در این کشور موجب شده است که آمریکا به واقعیت دموکراسی ستیزی و نقض حقوق بشر در عربستان سعودی حساسیتی نداشته باشد. ثروت و ارتباط نفتی، قدرت مانور فراوانی برای عربستان

در معادلات منطقه‌ای و شکل دادن به روندها در جهت مورد نظر این کشور فراهم کرده است. اما با این حال در پی توافق هسته‌ای آمریکا و غرب با ایران در دوره اوباما، نگرانی‌های جدی برای عربستان و اسرائیل به وجود آمد» (Akhavan Kazemi and et.al, 2017: 137-138).

رژیم‌های سعودی، اسرائیل و آمریکا از گسترش نفوذ ایران شیعی در عراق، لبنان، سوریه، یمن و میان گروه‌های فلسطینی نگران هستند. قدرت نظامی ایران که در توان موشکی و پهپادی آن تبلور یافته و نمونه‌ای از آن را در هدف قراردادن پایگاه آمریکایی عین الاسد می‌توان مشاهده کرد، آنها را با هراس مواجه کرده است. آمریکا از توسعه نفوذ و قدرت ایران در منطقه نگران است و حفظ امنیت و تاج و تخت پادشاهان متحد عرب و رژیم اسرائیل بعنوان متحد راهبردی خود را حیاتی تلقی می‌کند. افزون بر این، مقابله جویی با ایران هسته‌ای، مهار جبهه مقاومت و تغییر توازن قدرت در منطقه به ضرر جمهوری اسلامی ایران موجب شده است سه بازیگر مذکور سیاست‌های یکسانی را برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران دنبال کنند.

۴- اثر روابط سه‌گانه عربستان، اسرائیل و آمریکا بر نفوذ و قدرت ایران

۴-۱- منابع قدرت عربستان سعودی در خاورمیانه

سیاست خارجی عربستان سعودی به شدت متأثر از تحولات بین‌المللی بوده و هست. این موضوع را می‌توان به وضوح در رویدادهایی مانند پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، بیداری اسلامی، توافق‌نامه برجام، بحران سوریه و قدرت‌یابی شیعیان در عراق که منجر به رفتارهای پرخاش جویانه و نگاه جدی‌تر به قدرت‌های فرامنطقه‌ای در سیاست خارجی عربستان بود، مشاهده نمود (Fattahi Ardakani and et.al, 2018: 45).

عربستان بعنوان یکی از ثروتمندترین کشورهای خاورمیانه در صدد به دست آوردن جایگاه برتری در مسائل اقتصادی و استراتژیک منطقه است. به گفته ملک عبدالله (پادشاه سابق سعودی)، «ما بخشی از جهان عربی، اسلامی و بین‌المللی هستیم. نقش ما بر این اساس است که از حقوق آنها دفاع کنیم و برای اتحاد در صفوف خود فداکاری کنیم». بنابراین، سعودی‌ها تصویری از یک بازیگر پایدار و یک نظام سلطنت موفق را در دست دارند که باید توسط دیگران تقلید شود. برای کسانی که رهبری عربستان را می‌پذیرند، ریاض متحد بسیار سخاوتمندی است و مایل به ارائه کمک‌های مالی است» (Gimenez Cerioli, 2018: 300-301). علاوه بر این، عربستان همواره این توانایی را داشته است که قدرت منطقه‌ای بزرگی باشد. «مبانی اقتصادی این کشور همواره قوی بوده است و امروز آن را به بزرگ‌ترین اقتصاد منطقه با تولید ناخالص داخلی مبتنی بر ۷۴۰ میلیارد دلار با صادرات ۳۸۲ میلیارد دلار و ذخایر ارزی و طلا در کل ۶۳۰ میلیارد دلار تبدیل می‌کند. صندوق مالی پادشاهی حداقل ۵۳۰ میلیارد دلار ارزش دارد، این آمار در ژانویه ۲۰۱۳

توسط موسسه SWF ارزش گذاری شده است. چنین مبالغی باعث می شود صندوق مالی پادشاهی به یکی از بزرگ ترین صندوق های مالی در جهان تبدیل شود» (Ehteshami, 2014: 42).

به لحاظ سیاسی، عربستان از حمایت غرب برخوردار است و متحد مستحکم ایالات متحده است و با کشورهای مهم آسیایی مانند چین، هند و ژاپن به علت پیوندهای انرژی، ارتباط وثیقی دارد. به علاوه، «رهبری قوی ترین بلوک زیرمجموعه کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا یعنی شورای همکاری خلیج فارس را بر عهده دارد و یک جامعه منسجم از سلطنت های عربی را ایجاد کرده است» (Ehteshami, 2014: 43)؛ البته باید به نقش مهم عربستان سعودی در اتحادیه عرب، سازمان همکاری های اسلامی و سازمان اوپک نیز در تحلیل قدرت این کشور توجه نمود.

عربستان با آگاهی از اهمیت نقش هویت ها در خاورمیانه، عمدتاً هویت سنی/عربی، سعی در محدود کردن فرقه گرایی در حوزه نفوذ ایران دارد. این کشور همه سرزمین های عرب را حوزه نفوذ بالقوه خود می داند و برای این کشور نزدیکی ایران به دولت شیعه عراق یا سازمان قدرتمند حزب الله در لبنان یا انصارالله در یمن غیرقابل قبول است. «سعودی ها فعالیت خود را در دو سطح منطقه ای و بین المللی دنبال می کنند تا بتوانند نفوذ ایران را کم کنند. به طور کلی، عربستان نگران قدرت یابی شیعیان در جهان عرب و تقویت هلال شیعی است. در همین راستا، عربستان سعودی با استفاده از نفوذ سیاسی خود در میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، توانست بلوک قدرتی را با هدف مقابله با موج قیام در کشورهای عضو و سپس ارتقاء وضعیت منطقه ای آنها تشکیل دهد. زیرا تحولات بهار عربی و نتایج منفی آن منجر به فروپاشی اقتدارگرایی شده و توازن منطقه ای را به سود رقبا و به زیان عربستان رقم می زد» (Behzad, 2018: 127-128).

به لحاظ اهمیت مذهبی، عربستان سعودی با نظام حکومتی خاص خود، مدعی رهبری دینی جهان اسلام است. این کشور با درآمد دریافتی از دلارهای نفتی به دنبال نشر عقاید وهابیت در اقصی نقاط جهان به ویژه در میان جهان عرب است. مهم ترین ویژگی تفکر وهابی و تفکرات سلفی، ضدیت با شیعیان است که آن ها را بدعتگذار می دانند (Eslami and et.al., 2014: 25-26).

«هنجارها و ارزش های محافظه کار وهابی عمیقاً در نظام سیاسی این کشور نفوذ کرده است، زیرا سلطنت تحت نظارت این مذهب در سال ۱۹۳۲ ایجاد شده است. به لحاظ ژئوپلیتیک مذهبی، ریاض دو شهر مهم و مقدس اسلام یعنی مدینه و مکه را در اختیار دارد و میزبان حج است و پذیرای مسلمانان از سراسر جهان است. بر این اساس، پادشاهی عربستان نشان دهنده قلب جهان اسلام است، که از خاک آن ایمان اسلامی ظهور کرده است» (Gimenez Cerioli, 2018: 300).

قدرت نظامی عربستان (از نظر سخت افزار و آموزش) نیز قابل توجه است، اگرچه از نظر تعداد سرباز نسبتاً ضعیف است، اما به لحاظ فناوری های نظامی برتر از همسایگانش است و مرتباً با خریدهای فنی از غرب تقویت می شود. «با بودجه دفاعی سالانه در حدود ۴۵ میلیارد دلار،

عربستان تنها کشور جهان است که بیش از ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی خود را به دفاع اختصاص می‌دهد، بعد از عربستان، ایالات متحده قرار می‌گیرد که تقریباً ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را در اختیار بودجه دفاعی قرار می‌دهد» (Ehteshami, 2014: 42). بر اساس اطلاعات موسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم^۱، «هزینه‌های نظامی پادشاهی در طی ۲۵ سال گذشته بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار بوده است که بیشتر آن‌ها از طرف پیمانکاران دفاعی ایالات متحده بوده است» (Derks, 2017: 4). بودجه دفاعی عربستان در سال ۲۰۲۰ بالغ بر ۴۸,۵ میلیارد دلار بوده است. «بر اساس داده‌های وزارت دارایی این کشور بودجه تخصیص داده شده در سال ۲۰۲۰ به بخش نظامی بعد از بخش آموزش در رتبه دوم قرار دارد. بودجه نظامی عربستان سعودی در سالهای ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ یعنی از زمان حضور این کشور در جنگ یمن به بیش از ۲۷۰ میلیارد دلار رسیده و حتی از بودجه بخش بهداشت این کشور هم بیشتر شده است. هم‌چنین این رقم ۲۰,۹ درصدی هزینه‌های دولت را تشکیل می‌دهد. طی این سال‌ها بودجه بخش آموزش عربستان سعودی ۲۷۱ و بهداشت ۲۰۲ میلیارد دلار بوده است» (Anatolian News Agency, 2019). آمریکا پس از آغاز ریاست جمهوری دونالد ترامپ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به یکی از تامین‌کنندگان اصلی تجهیزات نظامی عربستان سعودی تبدیل شد. ترامپ پس از پیروزی در انتخابات اولین سفر خارجی خود را به عربستان سعودی اختصاص داد که سران دو کشور در این دیدار قرارداد فروش تسلیحات ۱۱۰ میلیارد دلاری را امضا کردند. این مبلغ بخشی از ۴۷۰ میلیارد دلاری بود که ریاض پذیرفت طی ۱۰ سال آینده در بخش‌های گوناگون صنعت آمریکا سرمایه‌گذاری کند. با توجه به این که هر دو کشور ایران را دشمن و تهدید اصلی منافع خود می‌دانند به نظر می‌رسد این روابط در آینده نیز همچنان مستحکم باقی بماند.

۴-۲- منابع قدرت اسرائیل در خاورمیانه

برنامه هسته‌ای ایران مهم‌ترین نگرانی اسرائیل است، زیرا این مسئله نه تنها از یک سو انحصار هسته‌ای این رژیم را در منطقه به چالش می‌کشد و می‌تواند باعث تشویق کشورهای عربی برای دست‌یابی به توانمندی هسته‌ای شود، بلکه از سوی دیگر، به صورت بالقوه موجودیت خود اسرائیل را نیز تهدید می‌کند. بنابراین، «فعالیت‌هایی که اسرائیل (برای دفاع از خود، برای قابلیت زدن ضربه و یا تلاش برای تضعیف برنامه هسته‌ای ایران) برای مقابله با این تهدید انجام می‌دهد، پیامدهای مستقیمی برای منطقه دارد. لذا درگیری این رژیم با ایران یک مسأله مهم منطقه‌ای است که افزایش آن می‌تواند باعث تغییر موازنه قدرت شود» (Ehteshami, 2014: 45). هم‌چنین برای اسرائیل، ایران به علت حمایت از حزب‌الله در لبنان و حماس در فلسطین تهدید محسوب می‌شود

¹. Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI)

و تا زمانی که از این گروه‌هایی که هژمونی اسرائیل را در منطقه به چالش می‌کشند، پشتیبانی کند، به عنوان تهدید برای تلاویو تلقی می‌شود (Aziz, 2018: 25).

با این حال رژیم اسرائیل یک بازیگر بانفوذ در منطقه است. «از زمان تأسیس این رژیم، ارتش نهاد اصلی در ساختار اسرائیل باقی مانده است. تداوم روند نظامی‌گری در زمینه‌های گوناگون از جمله در نگرانی‌های امنیتی عمومی در مورد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ملی، تخصیص درصد بزرگی از منابع ملی به نیروهای نظامی و اهمیت خدمت سربازی برای بسیاری از گروه‌های اجتماعی و فرهنگی رژیم اسرائیل نمودار شده است. سیاستمداران یهودی به بهانه ناامنی در مناطق پیرامونی خود، مخالف تغییر این روند بوده‌اند» (Lotfian, 2017: 188). رژیم اسرائیل نشان داده که «می‌تواند در روابط قدرت عربی نفوذ کند و توانسته است حداقل تلاش آن‌ها را برای دستیابی به یک استراتژی جمعی علیه خود مختل کند» (Ehteshami, 2014: 44). اسرائیل موفق شده است ایران را به تهدید نخست برای برخی کشورهای عربی تبدیل کند و با تبلیغات و عملیات روانی، ایده ایران‌هراسی خود را در منطقه با عادی‌سازی روابط با کشورهایی مانند امارات متحده عربی و بحرین و روابط پشت پرده با عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی عملیاتی کند.

موسسه تحقیقت صلح استکهلم در گزارش سال ۲۰۱۹ خود، اسرائیل را جزو ۱۰ صادرکننده برتر تجهیزات نظامی در جهان رتبه‌بندی کرده است (Euronews, 2019). این رژیم حدود ۴/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف تحقیق و توسعه می‌کند. از این میزان حدود ۳۰ درصد به محصولاتی با ماهیت نظامی اختصاص دارد. در حالی که آلمان ۲ درصد و آمریکا ۱۷ درصد از تحقیق و توسعه را به ارتش اختصاص می‌دهند. اسرائیل از بدو تأسیس تاکنون در حال درگیری بوده و تقریباً در هر دهه جنگ نظامی داشته است. این واقعیت مسئولان این رژیم را وا می‌دارد، خلاق باشند و با سلاح‌های نوآورانه به زندگی خود ادامه دهند (Katz, 2017). در این راستا، کمک‌های نظامی آمریکا به اسرائیل، نیروهای مسلح این رژیم را به یکی از پیشرفته‌ترین نظامیان جهان تبدیل کرده است. این کمک‌ها برای حفظ مرزهای اسرائیل در درگیری با کشورهای هم‌جوار و درگیری در منطقه است تا خلأ کسری نیروی انسانی این رژیم نسبت به کشورهای هم‌جوار از طریق تجهیزات و آموزش‌های نظامی برتر جبران شود (Zanotti, 2018: 16). بر اساس گزارش روزنامه هاآرتز آمریکا از سال ۲۰۱۸ تا سال ۲۰۲۸ سالانه ۳٫۳ میلیارد دلار به این رژیم کمک نظامی خواهد کرد. هم‌چنین بر اساس گزارش این روزنامه اسرائیلی، کمک‌های نظامی آمریکا در مجموع ۱۵ درصد از بودجه کل وزارت جنگ رژیم اسرائیل در سال ۲۰۱۸ را تشکیل داده است (Haaretz, 2018).

در جدیدترین رتبه‌بندی توان‌مندی نظامی کشورها در سال ۲۰۱۹ سایت موسسه قدرت شلیک جهانی، «ارتش اسرائیل در جایگاه هفدهم قرار دارد. این موسسه بودجه نظامی اسرائیل را برای

سال ۲۰۱۹، ۱۹/۶ میلیارد دلار ذکر کرده است و اظهار داشته که این رژیم، ۱۷۰ هزار پرسنل فعال در نیروهای مسلح و ۴۴۵ هزار نفر نیز نیروی ذخیره دارد، یعنی در مجموع ۷/۳ درصد از جمعیت این رژیم به نوعی نقش نظامی‌گری را ایفا می‌کنند. با توجه به جمعیت اندک اسرائیل، نسبت به سایر رقبا، جایگاه این رژیم در این رتبه‌بندی نشان از قدرت بالای نظامی آن دارد. اما با این وجود اسرائیل به لحاظ قدرت نظامی در پشت سر دشمن منطقه‌ای خود یعنی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد» (Winston, 2019).

به لحاظ قدرت اطلاعاتی، «چند ساختار اطلاعاتی مهم در اسرائیل وجود که در تصمیم‌سازی سیاست خارجی این رژیم تأثیر زیادی دارند. موساد و شاباک دو نهاد اطلاعاتی برجسته در اسرائیل هستند؛ مأموریت اصلی موساد، مراقبت و جاسوسی در خارج از اسرائیل و جلوگیری از عملیات خراب‌کارانه بر ضد منافع این رژیم است. مأموریت شاباک مشابه مأموریت‌های موساد است با این تفاوت که شاباک مسئول امنیت داخلی این رژیم است و در اراضی اشغالی فعالیت می‌کند. مهم‌ترین فعالیت شاباک مبارزه با انتفاضه و توقف عملیات مقاومت در داخل اراضی اشغالی است» (Eftekhari and Babaei, 2018: 67-68).

لابی اسرائیل در ایالات متحده یکی از مهم‌ترین لابی‌ها در آمریکا محسوب می‌شود. البته مقامات اسرائیلی تلاش دارند تا از آن به نام لابی یهودیان نام ببرند. طبق گفته استفان والت و جان میرشایمر، «لابی اسرائیل برای نفوذ در گروه‌ها و سازمان‌های تأثیرگذار آمریکا ایجاد شده است تا بتوانند بر سیاست خارجی آمریکا و اولویت‌های منافع ملی این کشور تأثیر بگذارند. لابی اسرائیل در آمریکا همیشه تلاش می‌کند تا قانونگذاران، سیاستمداران و اعضای کابینه را ترغیب کند تا نظرات و پیشنهادات خود را جهت حفاظت از منافع اسرائیل هدایت کنند و جهت‌گیری سیاست خارجی آمریکا در راستای منافع آن باشد» (Shakoori, Kiani and Heidarpour, 2016: 131-132). لابی یهود علاوه بر نفوذ در سیاست خارجی آمریکا در اقتصاد این کشور نیز نقش تأثیرگذاری دارد. «یهودیان بخش عمده‌ای از مراکز اقتصادی و تجاری آمریکا را در دست دارند. سینماها، تئاتر، تجارت شکر، کمپانی‌های بزرگ نفتی، تجارت گندم و تنباکو، پنبه، فولاد، ۵۰ درصد تجارت گوشت و مواد پروتئینی، ۷۰ درصد تجارت کفش، صنایع چرم، ادوات و ابزار موسیقی، وسایل الکترونیکی، بانک‌ها و به طور کلی قریب به ۸۰ درصد ثروت و امکانات آمریکا در انحصار اقلیت اندک سرمایه‌داران یهودی-اسرائیلی است» (Parishani, 2008). بر این اساس حمایت سیاسی، اقتصادی و مالی لابی یهود در آمریکا از رژیم اسرائیل منجر به قدرت‌گیری و نفوذ این رژیم در غرب آسیا با حمایت آمریکا شده است. این نفوذ باعث شده است که روسای جمهور آمریکا همواره حفظ امنیت این رژیم را در اولویت‌های اصلی خود قرار دهند.

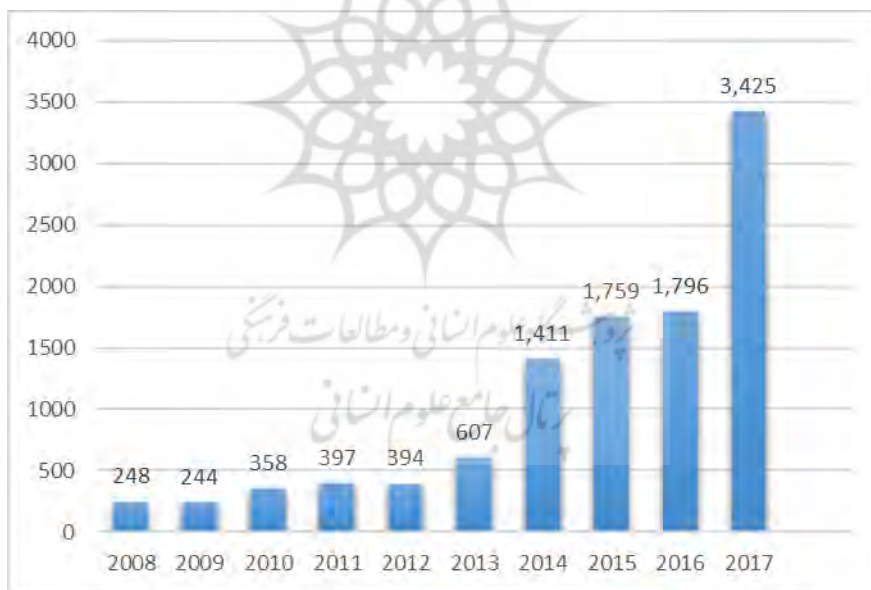
۴-۳- تقویت جبهه ضد ایرانی و تغییر در توازن قدرت

واقع‌گرایان بر تعارض و رقابت در عرصه سیاست بین‌الملل تأکید بسیار دارند و معتقدند که همکاری تنها زمانی امکان‌پذیر است که به تأمین منافع ملی کمک کند (Ghavam, 2011: 83). در این راستا، «اسرائیل و عربستان بویژه بعد از روی کار آمدن دولت ترامپ در آمریکا، در سطح منطقه‌ای و حوزه نظامی، در صدد تشویق آمریکا برای به کارگیری مواضع خصمانه‌تر از دولت اوپاما نسبت به ایران برآمدند. آزمایش موشکی، انتقال سلاح به یمن و سوریه و درگیری‌های نظامی محدود در خلیج فارس بهانه‌های فشار حداکثری به ایران بود» (Yazdanfam, 2017: 159). ایالات متحده تحت رهبری ترامپ نیز تمام تعاملات در منطقه را در راستای تقویت جبهه ضد ایرانی شکل داد. زیرا «ترامپ به دنبال خنثی‌سازی توافق اوپاما با ایران بود و در نهایت نیز از توافق برجام خارج شد. در دوره ترامپ، ایالات متحده با اتخاذ سیاست فشار حداکثری و افزایش فشارهای تحریمی و ضد ایرانی، عربستان و اسرائیل را عملاً زیر چتر حمایتی خود قرار داد» (Mcgin, 2018: 11).

اسرائیل و عربستان نیز که طرفدار برخورد تهاجمی واشنگتن در قبال تهران هستند از تصمیم ترامپ در خروج از برجام استقبال کردند (Azizi, 2018: 28). نتانیاهو برجام را «اشتباه تاریخی» آمریکا خواند و مقابله با تهران را که از نظر این رژیم، تهدیدی وجودی است، تحسین نمود (Thompson, 2018: 3) از منظر اسرائیل، «ایران سبب شکل‌گیری جنبش حماس در جوار مرزهای این رژیم شده است که نمایندگی سیاست‌های ایران را بر عهده دارد. در نتیجه، مانع از توافق صلح و سازش با گروه‌های فلسطینی مانند جنبش فتح می‌شود. از منظر آمریکایی‌ها نیز، مادامی که تعارض اسرائیل و اعراب لاینحل باقی بماند، ایران مسئله فلسطین را به مثابه ابزاری جهت خنثی‌سازی علائق منطقه‌ای ایالات متحده به کار می‌گیرد. از این رو هم آمریکا و هم اسرائیل از تشکیلات خودگردان فلسطین تحت رهبری فتح به مثابه خاکریزی در برابر گروه‌های همراه ایران از جمله حماس و جهاد اسلامی فلسطین حمایت می‌کنند تا این که بتوانند به توافق صلح دست یابند» (Simber and the Victim, 2013: 97). جلوگیری از گسترش نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی، پیشرفت‌های موشکی، فضایی، پهپادی و هسته‌ای ایران از دیگر عوامل نزدیکی منافع واشنگتن و تل‌آویو است.

روابط آمریکا با عربستان نیز پایدار است. «عربستان یکی از متحدین اصلی ایالات متحده در خاورمیانه در تقویت جبهه ضد ایرانی است. پادشاه عربستان با سرمایه‌گذاری ۴۵۰ میلیارد دلاری در ایالات متحده موافقت کرده است. این یک رکورد است و دهها هزار شغل در ایالات متحده ایجاد خواهد کرد. «بیانیه سی‌ان‌ان در تاریخ ۲۰ نوامبر ۲۰۱۸ نشان می‌دهد که اگرچه ممکن است بخشی از کنگره آمریکا و جامعه مدنی انتقاد شدیدی از عربستان داشته باشند، اما دولت آمریکا از ادامه روابط راهبردی با ریاض پشتیبانی می‌کند» (Aghamohammadi and Omid, 2018: 623).

آمریکا و عربستان منافع ژئواستراتژیکی مشترکی دارند و تهدیدهای مشترک باعث شده که اتحاد آنها تقویت شود. از یک طرف عربستان سعودی بازار نفت را برای غرب، به ویژه آمریکا باثبات و جذاب نگه می‌دارند و از طرف دیگر از حمایت امنیتی و نظامی مناسب آمریکا برخوردار است» (Gimenez Cerioli, 2018: 300-301). روابط عربستان و آمریکا به اندازه‌ای مهم است که این کشور از نقض شدید حقوق بشر در عربستان چشم پوشی کرده و حتی پس از قتل جمال خاشقچی و اثبات نقش دولت عربستان در انجام این جنایت، ترامپ روابط با عربستان را بسیار مهم و راهبردی توصیف کرد. هم‌چنین آمریکا بزرگ‌ترین صادر کننده تسلیحات به عربستان سعودی می‌باشد. طبق برآوردهای موسسه بین‌المللی صلح استکهلم (سپیری) عربستان سال ۲۰۱۸ در فهرست هزینه‌های نظامی رتبه سوم جهان را با صرف ۶۷,۶ میلیارد دلار داشته است. واردات اسلحه عربستان بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ رشدی بی سابقه و معادل ۱۹۲ درصدی داشته که این مسئله باعث شده تا این کشور به بزرگ‌ترین وارد کننده سلاح در جهان در آن بازه زمانی تبدیل شود. عربستان در برهه یاد شده ۶۸ درصد از واردات اسلحه خود را از آمریکا انجام داده است. (www.sipri.org/research/armament-and-disarmament/arms-transfers-and-military-spending).



نمودار ۱- ارزش صادرات تسلیحات آمریکا به عربستان سعودی (به میلیون دلار)

Figure 1- Value of US Arms Exports to Saudi Arabia (In Millions of Dollars)

Source: (McCarthy, 2018)

آمار و ارقام موجود نشانگر این نکته است که عربستان به پشتوانه دلارهای نفتی اقدام به خریدهای تسلیحاتی گسترده کرده و از این طریق هم رضایت خاطر غرب و آمریکا را کسب می‌کند و هم توان نظامی خود را برای پیگیری اهداف منطقه‌ای و رویکرد نظامی گرایانه و تهاجمی خود به صورت چشم‌گیری گسترش داده است.

عربستان در عرصه منطقه‌ای شکست‌های سختی متحمل شده است. این کشور عامل اصلی شکست‌های خود را ایران و محور مقاومت می‌داند. در سوریه و عراق این کشور موفق به تحقق اهداف خود نشد و حتی در جریان استقلال کردستان عراق (۱۳۹۶) نیز عربستان به دنبال آن بود که همگام با اسرائیل به مرزهای ایران برسد، اما شکست این طرح، برنامه‌های اسرائیل و آل سعود را به هم زد. در یمن نیز که اوج شکست سیاست‌های عربستان است، ریاض سعی دارد به نوعی جنگ یمن را یک جنگ بین ریاض و تهران معرفی کند. زیرا یمن فقیرترین کشور عربی است که در جریان تجاوز عربستان تحت شدیدترین محاصره‌ها قرار داشته و برای سعودی‌ها بسیار سنگین است که شکست در جنگ یمن، شکست از مردم فقیر یک کشور معرفی شود، بنابراین سعی دارد ایران را به عنوان عامل اصلی مقاومت انصارالله معرفی کند تا به این ترتیب سطح بحران را منطقه‌ای و حقارت ناشی از عدم موفقیت در جنگ یمن را کاهش دهد.

در ماه «می» سال ۲۰۱۸، عربستان حمایت خود را از تجدید و تشدید تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران و تلاش برای محدود کردن حمایت ایران از دولت سوریه، عراق، یمن و بازیگران مختلف غیردولتی در منطقه را اعلام کرد^۱ (Blanchard, 2018: 30). زیرا امنیت عربستان سعودی به مشارکت دیرینه خود با ایالات متحده متکی بوده است. اگرچه از دیرباز عربستان به عنوان متحد نفتی و اسرائیل در قالب صهیونیسم مسیحی و بازوی نظامی آمریکا هم‌پیمان منطقه‌ای آمریکا هستند؛ اما تا پیش از آغاز بحران سوریه تمایل به آشکار سازی روابط فی ما بین نداشتند. اما مباحث هسته‌ای ایران و به ویژه اوضاع سوریه و ائتلاف سعودی در یمن معطوف به «طوفان قاطعیت» موجب نزدیکی آن‌ها شد (Rohi Dehneh and Moradi Clare, 2018: 295).

عربستان و اسرائیل نقش و عملکرد ایران در خاورمیانه را تهدید علیه منافع خود می‌دانند. در همین راستا، «گفتگوهای مخفی و دیپلماسی پنهانی میان این دو رژیم برای همکاری در جهت حمایت از منافع مشترک خود در منطقه وجود داشته است. در نوامبر سال ۲۰۱۷، وزیر انرژی اسرائیل، یووال اشتاینیتز^۱ اعلام کرد که: «ما تا حدودی روابط پنهانی با بسیاری از کشورهای مسلمان و عربی داریم، خواه با عربستان سعودی یا دیگر کشورهای عربی باشد». ژنرال آیزنکوت

^۱. Yoval Steinitz

رئیس ستاد کل نیروهای نظامی اسرائیل ضمن اهمیت روابط این رژیم با سعودی‌ها گفته است که: «ایران بزرگ‌ترین تهدید منطقه است ... که به دنبال ایجاد هلال شیعی از لبنان به ایران و سپس از آنجا به خلیج فارس تا دریای سرخ است. مهم‌ترین وجه مذاکرات پنهانی میان عربستان و اسرائیل بعد از انتخاب ترامپ به ریاست جمهوری آغاز شد. یک هیئت آمریکایی به سرپرستی جارد کوشنر (داماد ترامپ)، در نوامبر سال ۲۰۱۷ با محمد بن سلمان ولیعهد عربستان دیدار کرد تا در مورد برنامه صلح در خاورمیانه صحبت کند. نیویورک تایمز با نقل جزئیات این نشست، به نقل از منابع ناشناس گفت که ولیعهد سعودی، با انحراف از سیاست رسمی، موضع رژیم اسرائیل در مورد مسائل فلسطین را تصدیق کرده است» (Aziz, 2018: 23-24).

هم‌چنین، «پایگاه اینترنتی ولترنت به قلم «تری میسان» روزنامه‌نگار معروف فرانسوی فاش کرد که در جریان مذاکرات ایران و ۱+۵ مقامات تل آویو- ریاض در حال گفتگو بوده‌اند و نمایندگان عالی‌رتبه دو رژیم، پنج بار در هند، ایتالیا و جمهوری چک باهم دیدار کرده‌اند. این ملاقات‌ها را می‌توان با هدف راه‌اندازی ائتلاف اسرائیلی- سعودی علیه دشمن واحد یعنی ایران در نظر گرفت. که هم‌زمان با سخنان جان کری در مرکز «سابان» منتشر شد که گفته بود تعدادی از کشورهای عربی منطقه در حال تشکیل ائتلاف با رژیم اسرائیل علیه گروه‌هایی مانند حماس هستند. بنابراین مقامات سعودی در کنار تشکیل جبهه سنی علیه ایران با بزرگ‌ترین دشمن جهان اسلام دست به ائتلاف زدند. تل آویو نیز به دنبال ترویج این مسأله است که اعراب دیگر رژیم اسرائیل را دشمن اصلی خود ندانند، بلکه اکنون ایران مهم‌ترین دشمن آن‌هاست و تلقی آن‌ها در این راستا قرار گرفته است» (Rohi Dehbneh and Moradi Clare, 2018: 295-296).

قدرت یافتن شیعیان در عراق، تحولات مربوط به بیداری اسلامی، شکل‌گیری محور مقاومت و پیروزی‌های حزب‌الله لبنان و حماس در برابر اسرائیل، موفقیت‌های ایران در سوریه و عدم موفقیت سعودی‌ها در جنگ یمن، مقاومت فعال جمهوری اسلامی در مقابل فشارهای حداکثری آمریکا و تداوم نفوذ منطقه‌ای و موشکی و پهپادی ایران در غرب آسیا، موجب هراس عربستان سعودی و رژیم اسرائیل در تغییر موازنه قدرت به سود ایران و به ضرر آن‌ها شده است. این امر زمینه نزدیکی ریاض- تلاویو برای برقراری مجدد موازنه در برابر دشمن مشترک را با کمک ایالات متحده فراهم نموده است. لذا آن‌ها با همکاری آمریکا به دنبال تقویت جبهه ضد ایرانی و ایجاد توازن قدرت در مقابل جمهوری اسلامی ایران هستند.

نتیجه‌گیری

آمریکا، عربستان سعودی و رژیم اسرائیل به دنبال جلوگیری از گسترش نفوذ ایران در منطقه

خاورمیانه و نگران برهم خوردن موازنه قدرت به زیان خود هستند. عربستان در عراق با توجه به جمعیت اندک اهل سنت می‌داند که مجالی برای به قدرت رساندن متحدان خود ندارد. لذا از به قدرت رسیدن حکومتی میانه‌رو حمایت می‌کند. این کشور در یمن با خرید تسلیحات نظامی از آمریکا به دنبال شکست مقاومت مردم یمن و بویژه انصارالله است ولیکن موفق به انجام این امر نشده است. سعودی‌ها در سوریه نیز در مخالفت شدید با بشاراسد به حمایت از گروه‌های سلفی-تکفیری مانند داعش پرداختند تا در سوریه قدرت از علویان و متحدان نزدیک ایران به جبهه سلفی-تکفیری منتقل شود. در نهایت مخالف نفوذ حزب‌الله در لبنان و در حقیقت جمهوری اسلامی ایران هستند. علاوه بر این از برنامه هسته‌ای و موشکی-پهپادی ایران به شدت دچار هراس هستند. رژیم اسرائیل نیز به دنبال این است که اجماع اعراب علیه خود را در هم شکنند. در این راستا این رژیم در تلاش است که ایران را دشمن اعراب معرفی کند تا از این طریق بتواند اجماع اعراب علیه خود را دچار شکاف کند، همراهی عربستان با اسرائیل برگ برنده این رژیم در همراه نمودن اعراب با خود و عادی سازی روابط با آنها است. اسرائیل و عربستان سعودی هر دو نگران برنامه هسته‌ای ایران هستند و حتی استفاده صلح آمیز ایران از انرژی هسته‌ای را بر نمی‌تابند و با توجه به نفوذ لابی یهود و سعودی در کاخ سفید و کنگره آمریکا تمام اقدامات خود را در جهت جلوگیری از دست‌یابی ایران به انرژی صلح آمیز هسته‌ای به کار بسته‌اند. اسرائیل و عربستان، ایران هسته‌ای و برخوردار از سامانه‌های پیشرفته موشکی و پهپادی را تهدیدی علیه ماهیت وجودی خود می‌دانند. هم‌چنین رژیم اسرائیل، ایران را به خاطر حمایت از حزب‌الله لبنان و حماس دشمن خود تلقی می‌کند. ایران و آمریکا نیز از بدو انقلاب اسلامی روابط تیره و مخاصمه جویانه‌ای داشته‌اند و آمریکا همواره کشورهای منطقه به ویژه عربستان و رژیم اسرائیل را در موج ایران ستیزی همراهی کرده است.

به طور کلی عربستان و اسرائیل طرفدار برخورد تهاجمی آمریکا با ایران و تغییر سریع رژیم هستند ولیکن از آنجا که این امر به راحتی امکان‌پذیر نیست، با کمک‌های آمریکا به دنبال تقویت جبهه ضد ایرانی در منطقه برای جلوگیری از نفوذ بیشتر جمهوری اسلامی ایران هستند. لذا همکاری این سه بازیگر باهم می‌تواند در آینده تعادل و توازن قدرت منطقه‌ای را در منطقه به زیان ایران تغییر دهد. بویژه اینکه اگر زمینه‌های عادی سازی تعداد بیشتری از کشورهای عربی با رژیم اسرائیل را فراهم کند. لذا، این صف‌آرایی در خاورمیانه را می‌توان در چارچوب نظریه موازنه قدرت تبیین و تحلیل نمود زیرا بر اساس این نظریه تا زمانی که میان دو یا چند کشور تعادل قدرت وجود داشته باشد هیچ کشوری نمی‌تواند بر منطقه مسلط شود. بنابراین، بر مبنای منطق نظریه موازنه قوا تقویت اتحاد و همگرایی عربستان و اسرائیل با آمریکا با هدف بر هم زدن موازنه قدرت منطقه‌ای به سود خود می‌باشد.

References

1. Adami, A., Nazifi Naeini, N., Bijan, A. (2019). Israel and Saudi Arabia: A New Era of Bilateral Cooperation. *Quarterly Journal of Strategic Policy Research*, 7(27), 89- 216. **(In Persian)**
2. Aghamohammadi, Z., Omid, A. (2018). The Prospect of the United States and Saudi Arabia's Relations in Light of the Khashoggi Murder. *Journal of World Sociopolitical Studies*, 2(4), 605-632. **(In Persian)**
3. Akhavan Kazemi, M., Narimani, G., Sadeghi, S. (2017). An Analysis of the Strategic Relations between Saudi Arabia and the Zionist Regime against the Islamic Revolution, *Journal of Islamic Revolution Studies*, 13(47), 125-146. **(In Persian)**
4. *Anatolian News Agency* (2019). Saudi Arabia's Military Budget Exceeds \$ 270 Billion. May 21, at: <https://www.aa.com.tr/fa/1849370/> **(In Persian)**
5. Aziz, S. (2018). Political Role of Israel in the Middle East: History, Evolution and Contemporary Period. *Journal of Current Affairs*, 3(1), 1-26.
6. Behzad, D. (2018). Iran and Saudi Arabia in the Middle East: Leadership and Sectarianism (2011-2017). *Vestnik RUDN, International Relations*, 18(1), 124-134.
7. Blanchard, C. M. (2018). Saudi Arabia: Background and U.S. Relations. *Congressional Research Service*, at: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/RL33533.pdf>
8. Dehshiri, M., Maghami, I. (2016). Islamic Awakening and the Formation of New Geometry in the Middle East. *Quarterly Journal of Political Research in the Islamic World*, 5(4), 157-180. **(In Persian)**
9. Derks, J. (2017). The Future of the U.S.-Saudi Relationship. *Prince Mohammad bin Fahd Program for Strategic Research & Studies*, May, 1(1), 1-11.
10. Eftekhari, A., Babaei, A. (2018). Analysis of Factors Influencing the Foreign Policy of the Zionist Regime (with Emphasis on James Rozena's Theory). *Contemporary Political Research*, 9(3), 53-77, **(In Persian)**
11. Ehteshami, A. (2014). Middle East Middle Powers: Regional Role, International Impact. *Uluslararası İlişkiler*, 11(42), 29- 49.
12. Eslami, M., Koohi, I., Rastgoo, M. (2014). The Challenges of the Partition of Iraq: US Interests and Neighboring Countries (Iran, Turkey and Saudi Arabia). *Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World*, 3(10), 11-30. **(In Persian)**

13. *Euronews* (2019). Which Countries are the Main Customers of Israeli Military Equipments. March 3, at: <https://euronews.com/2019/03/14/which-countries-are-the-main-customers-of-israeli-military-equipments->
14. Fattahi Ardakani, H., Imam Jomehzadeh, S., Harsij, H. (2018). Analysis of the Soft Power Pattern in the Middle East: A Case Study of Saudi Arabia”, *Quarterly Journal of Political Research in the Islamic World*, 8(1), 29-62. **(In Persian)**
15. Ghanbarloo, A. (2018). The Zionist Regime and the Continuation of Tensions between Iran and the United States. *Quarterly Journal of Strategic Studies*, 11(1), 135-164. **(In Persian)**
16. Ghasemi, F. (2015 A). *Theories of International Relations and Regional Studies*. Tehran: Mizan Publications, Second Edition, Fall. **(In Persian)**
17. Ghasemi, F. (2015 B). *Principles of International Relations*. Tehran: Mizan Publications, Fifth Edition, Winter. **(In Persian)**
18. Ghavam, A. (2011). *International Relations: Theories and Approaches*. Tehran: Samt Publications, Fifth Edition. **(In Persian)**
19. Gimenez Cerioli, L. (2018) Roles and International Behaviour: Saudi–Iranian Rivalry in Bahrain’s and Yemen’s Arab Spring. *Contexto Internacional*vol, 40(2), 295- 316.
20. *Haaretz* (2018) United States Announces \$38 Billion Israel Military Aid Package. January 8, at: <https://www.haaretz.com/israel-news/united-states-announces-38-billion-israel-military-aid-deal->
21. <https://www.sipri.org/research/armament-and-disarmament/arms-transfers-and-military-spending>
22. Jafari, A. (2012). Explaining the factors and goals of the strategic alliance between the United States and Israel in the Middle East. *Geopolitical Quarterly*, 8(2), 153-191. **(In Persian)**
23. Katz, Y. (2019) Why Israel has the most technologically advanced military on Earth. *New York Post*, 1 January, at: <https://nypost.com/2017/01/29/why-israel-has-the-most-technologically-advanced-military-on-earth>
24. Lotfian, S. (2017). The Strategic Perspective of the Zionist Regime and Estimating Its Security Threat to the Middle East. *Politics Quarterly*, 47(1), 179-200. **(In Persian)**
25. *Mashreq News Agency* (2017). Behind the Scenes of Anti-Iranian Positions of Saudi Officials, November 13, at: <https://www.mashreghnews.ir/news/797849> **(In Persian)**

26. McCarthy, N. (2018). The U.S. Has Ratcheted Up Arms Sales to Saudi Arabi. *Statista*, 16 November, at: <https://www.statista.com/chart/15797/the-value-of-us-arms-exports-to-saudi-arabia>
27. McGinn, J. (2018). Saudi Arabia and Iran: Beyond Conflict and Coexistence?. *LSE Middle East Centre Report*, August 9, at: <http://eprints.lse.ac.uk/id/eprint/89829>
28. Noor Alivand, Y. (2017). Saudi Arabia and the Effort to Rebalance Against Iran. *Strategic Studies Quarterly*, 11(1), 7-32. **(In Persian)**
29. Parishani, F. (2008). The Role of the Zionists in the American Economic Structure. *Fars News Agency*, September 11, at: <https://www.farsnews.com/news/8709201275%20%20%20> **(In Persian)**
30. Rasooli Thaniyabadi, E. (2014), *An Introduction to the Most Important Concepts and Terms of International Relations*. Tehran: Tisa Publications, First Edition. **(In Persian)**
31. Rostami, F., Tara, A. (2018). Analysis of Saudi-Israeli Relations in the Shadow of the Iran Nuclear Agreement. *World Politics Quarterly*, 7(2), 115-142. **(In Persian)**
32. Rouhi Dehbneh, M., Moradi Kalareh, S. (2018). The Role of Increasing Iran's Regional Power in the Policy of the Persian Gulf Cooperation Council: 2005-2015. *Journal of International Relations Research*, 1(18), 277-310. **(In Persian)**
33. Sadeghi, S. (2016). A Study of the Foreign Policy Model of the Zionist Regime in the Middle East, *Al-Waqt*, November 23, at: <http://alwaght.com/fa/News/71491> **(In Persian)**
34. Shakoori, M., Kiani, D. Heidarpour, M. (2016). Effect of AIPAC Lobby on America's Foreign Policy towards the Islamic Republic of Iran. *Journal of Politics and Law*, Vol. 9(6), 129- 136. **(In Persian)**
35. Siddiq, A. (2019). Saudi-Israeli Nexus: Implications for Iran. *Center for Iranian Studies in Ankara (IRAM)*, May 17, at: <http://www.irancenter.org>.
36. Simber, R., Ghorbani, V. (2013). The Impact of the Islamic Revolution of Iran on US-Israeli Relations. *Quarterly Journal of Islamic Revolution Research*, 2(7), 83-102. **(In Persian)**
37. Smith, S., Hadfield, E., Dan., T. (2013). *Foreign Policy, Theories, Actors, and Cases*. Vol. I, Translated by Haji Yousefi, A. M., Mahmoudi, M., Karimi, A., Tehran: Samat, First Edition, Winter. **(In Persian)**
38. Winston, A. (2019). Srael Drops a Slot in 2019 Military Strength Ranking, Still behind

- Iran. *Jerusalem Post*, August 12, at: <https://www.jpost.com/Israel-News/Israel-falls-to-17th-place-in-global-military-index-598306>
39. Yazdanfam, M. (2017). Trump's Foreign Policy and the Islamic Republic of Iran. *Strategic Studies Quarterly*, 19(4), 139-164. **(In Persian)**
40. Zanoliti, J. (2018). Israel: Background and U.S. Relations. *Congressional Research Service*, Accessed on: 31/07/2018, at: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/RL33476.pdf>.
41. Zargham Khosravi, S., Zakerian, M., Barzegar, K., Kazemizand, S. (2020). The Impact of the Iranophobia Project on the Strategy of the New Israeli Regions. *International Studies Journal (ISJ)*, 16(4), 67-86. **(In Persian)**





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی